



نگاه حقوقدان

صالح نیکبخت حقوق دان:

معلوم نیست نهادهای دیگر همراهی کنند

مطرح کند که مدارای بیشتری را نویسنندگان و روزنامه‌نگاران و به صورت کلی کسانی که مرتکب جرائم سیاسی شدند و آنها را امنیتی می خوانند، بشوند، این مسئله موجب می شود مردم نیز در چنین مواردی همفکری کنند. تا این اندازه می شود با مدارا حل کرد، اما در باور من نیست که این دست موضوعات صرفاً با صلح و سازش و توافق حل بشود.

رئیس قوه قضائیه از احتمال گذشتن از متهمان امنیتی جنگ ۱۲ روزه سخن گفته است؛ به نظر شما به چه شیوه در چه سطحی می توان چنین تصمیمی را اجرایی کرد؟

در این مورد، مردم این خواست را از جامعه دارند و طرفداران حقوق بشر و حقوقدان هم از حاکمیت این انتظار را دارند تا در شرایطی که در جنگ دوازده روزه که شاهد بودیم زندان ها را نیز مورد حمله قرار دادند و تعداد زیادی در حمله به زندان اوین شهید شدند، در اینگونه موارد حکومت، همفکری، همراهی و با مدارا کند و حداقل با آزادی مشروط این زندانیان موافقت کند و یا از مجازات آنها عبور کند. اما آنچه می بینیم در همین مسائل، فردی مانند مهدی محمودیان را که در زمان جنگ مخالف جنگ بوده و در جانب کشورش ایستاده، باز هم تحت تعقیب قرار دادند. یا شخصیتی مانند آقای تاجزاده که به دلیل فوت برادر خود به مرخصی آمده بود را بدون اتمام ایام عازاری بلافاصله بازگردانند. این نشان می دهد این مدارایی که در نظر رئیس قوه قضائیه است، از جوانب دیگر قابل تحمل نیست.

آقای اژه‌ای گفته است: «در قبال فردی که علیه نظام تبلیغ کرده و یا اقدامی علیه امنیت انجام داده که طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور قابل گذشت است، می توان راهکارهای مرتبط با صلح و سازش را به کار گرفت.» با این سخنان آیا می توان امیدوار بود که تغییری در نگاه امنیتی به مخالفان و منتقدان و تشخیص دادن مفهوم امنیتی بر برخی سیاسی ایجاد شود و آیا برای زندانیان سیاسی که در گشایشی صورت گیرد؟

نفس این صحبت ها و همچنین برخی مواضع آقای اژه‌ای در سه چهار سال گذشته نشان می دهد ایشان با نگاه روشن بینانه تری به این موضوع نگاه می کند. اگر رئیس قوه قضائیه با سایر ارگان های کشور برای این موضوع هماهنگی به عمل بیاید و اگر از اقدامات جدیدی که در مورد نویسندگان، روشنفکران، هنرمندان و... توسط ضابطین به عمل آمده دست نگه دارند، این حرکت می تواند سنگ بنایی باشد برای اینکه در این موارد با مدارا و چشم پوشی مسائل حل شود و از دستگیری و بردن افراد به زندان، آن هم زندان افرادی در حالی که خانواده ها از وضعیت آنها خبر هم ندارند، شرایط را با این اقدامات در مسیری قرار داد که هم مورد قبول مردم باشد و هم مورد قبول قضائیه باشد. اما لازمه این کار، اقدام عملی است نه اینکه صرفاً در حرف و سخن باقی بماند.



اگر چنین رویکردی در نهایت عملیاتی شود، در فضای کنونی کشور ما چه آثاری خواهد داشت؟ آیا منجر به حفظ انسجام ملی خواهد شد؟

بدون شک، در شرایطی که کشور ما دشمنان زیادی دارد و مردم ایران نیز از هر قوم و نژاد و فکر و ایده ای در مورد نجات کشور با همدیگر متحد هستند، چنان که در جنگ دوازده روزه اسرائیل، این مردم بودند که به صورت متحد در برابر این وضعیت قرار گرفتند و آنگونه که آنها فکر می کردند مانع از سقوط مملکت شدند، عملیاتی شدن این رویکرد اثرات مثبتی خواهد داشت. در این شرایط اگر ریاست قوه قضائیه، در این مورد موضوع را به صورتی

بله، باید تمام تلاش ها در این راستا باشد که عوامل آسیب زار را در جامعه کم کنیم. اگر این کار را که آقای اژه‌ای می گویند انجام دهند این نشان از شناخت مسئله است و کار خوب و در خور ستایشی است. چرا که یکبارہ نمی گوید فرد را زندان ببرید، آسیب شناسی کنید و مسئله را ابتدا پیگیری کنید. البته اینکه چه کسانی بخواهند برای پیگیری مسائل کاربان فضای مجازی گماشته شوند نیز مهم است. فضای مجازی یکی از عواملی است که جرم زایی را در جامعه بالا می برد، بنابراین باید با دقت و ظرافت این رویکرد بررسی شود و به اجرا دربیاید. باید اندیشمندان بحث و بررسی کنند و در این زمینه تصمیم بگیرند. معتقدم باید با درایت، اندیشه و به کار گرفتن تئوری های علمی در این زمینه اقدام کرد و بررسی های لازم را انجام داد.

اگر واقع نیروی جوان و خیر خواه باید تعریف داشته باشد، درست است؟

بله، همینطور است.
رئیس قوه قضائیه اشاره کردند که در صلح و سازش امنیتی باید از ظرفیت افراد خبره، آشنا به مسائل، دلسوز و دارای بیان شیوا و رسا بهره گرفت، اما این نگرانی وجود دارد، این افراد متعلق به بخش کوچکی از جامعه باشند و تحت تاثیر دیدگاه های سیاسی

سیاستمداران / ۲



بازاندیشیدن به دولت - ملت

محمد رضا تاجیک، استاد دانشگاه در سایت «مشق نو» نوشت: «هنگامی که تکیه از «مردم» برداشته می شود، فی الواقع، سیاست از مردم جدا می شود. در این حالت، سیاست شکل رسمی به خود می گیرد و «سیاست مردم» منحل می شود. در ایران امروز نیز، نوعی از انحلال «سیاست مردم» مشاهده می شود. انحلال سیاست مردم، در واقع، انحلال انقلاب است، و انحلال انقلاب، همان انحلال نظم و نظام برآمده از انقلاب است. تنها راه برون رفت از گرداب چنین انحلال و تعلیقی، بازگشت به فاز نخست انقلاب و تأسیس یک ملت-دولت (با تقدم ملت بر دولت) است.» او همچنین نوشت: «جامعه امروز ما، جامعهی پر مشکلی است. با اندکی تأمل بر علل بروز و ظهور این مشکلات، نقش دولت ها را بسیار برجسته می بینیم. به بیان دیگر، هر جا مشکلی هست، جای پای دولتی هم هست. لذا، در تحلیل نهایی، دولت ها در ایران، همواره خود انکار و عدوی خود بوده اند، خود، خویش را اخته فالوس نموده اند. از این رو، شاید بتوان نتیجه گرفت که تنها راه نجات دولت از خویش، از میان برداشتن آن و ایجاد فضایی برای استقرار دولتی متفاوت است. «از میان برداشتن دولت»، اگر چه از یک منظر نظری، دو معنا، یعنی عبور دولت از خویش، و عبور مردم از دولت، دارد، اما شور و هیجان در سرزمین ما، همواره در معنای دوم تجربه شده است.» او در پایان این یادداشت نوشت: «دولت در جامعهی امروز ما، سخت نیازمند به بازاندیشیدن به دولتی است که آن سیاست پیشه کند که معطوف بر تقدم ارادهی ملت بر ارادهی خویش است. به بیان دیگر، آن سیاست که دولت ابراز می کند، باید ناظر بر «یافتن عرصه هایی نوین برای تحقق ارادهی عام» (به بیان روسو و بديو) باشد. اراده عام، حاضر سازی (presentation) مردم در نزد خودشان و استغنائی آنان از نمایندگی شدن و بهنجارشون و نظارت و کنترل شدن توسط یک لیاتوان است. از این منظر، سیاست چیزی نیست جز کنشی که مردم به واسطهی آن به عرصه و وجود در آمدن شان را اعلام کرده (با مردم به واسطهی آن مردم می شوند) و در صدد وفاداری به آن اعلام بر می آیند.»



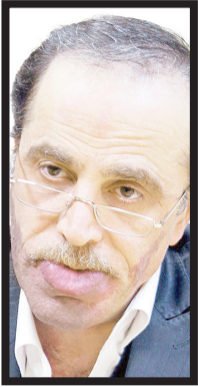
ریشه های سیاسی فساد

نهضت آزادی ایران، با انتشار بیانیه ای به ماجراهای پیرامون بانک آینده و اکنش نشان داد. در ابتدای بیانیه آمده است: «انحلال بانک آینده و ادغام عملیاتی آن در بانک ملی ایران که از سوم آبان ۱۴۰۴ رسماً اجرا شد، تجلی انکارناپذیر فساد سیستمی، سیاسی و مالی در نظام حکمرانی و نماد فروپاشی اقتصادی در ایران است. این رویداد که نتیجه سال ها مسئولیت گریزی و بی توجهی عمده اند به هشدارهای کارشناسان اقتصادی و برنامه و بودجه و پیامد مہمات و بلکه همکاری سازمان یافته ساختارهای حاکمیتی با تخلفات مالی و نفوذ سیاسی است، نهنتها اعتماد عمومی به نظام بانکی را تضعیف و خدشه دار کرده، بلکه بار سنگین تورم و کسری بودجه شدید را بر دوش مردم و اقتصاد کشور گذاشته است.»
در بخش پایانی این بیانیه نوشته شده: «نهضت آزادی ایران اعلام می کند که فاجعه و بلکه رسوایی اخلاقی، سیاسی و اقتصادی بانک آینده، ریشه در تجمیع قدرت در نهادهای غیر متاثر از آرای مردم، گردش آزاد قدرت و اطلاعات در ایران دارد. از این رو، هشدار می دهد که وضعیتی که به بحران بانک آینده انجامیده است، نهنتها بحران مالی ایجاد کرده و به مردم به بانک ها را کاهش داده و در روند نیل به توسعه پایدار و متوازن اختلال جدی پدید آورده است، بلکه دلالت بر وجود اراده ای شانیه پراگنیز در راستای سقوط کامل سرمایه اجتماعی، نابودسازی امید اجتماعی و رقم زدن بحران امنیت ملی ایران در عرصه اقتصادی و اجتماعی دارد که در نهایت، تبعات جبران ناپذیر سیاسی در پی داشته و در آینده هم خواهد داشت.»

که مرتکب جرمی شده باشند که نیاز به چنین برخوردی باشد و هیچگونه اطلاع رسانی هم نمی کنند. سرمقاله هم همین این نگرانی را مطرح می کند که در انتخاب نماینده هایی که برای مسئله صلح و سازش در پرونده های امنیتی در نظر گرفته می شود مسئله شخصی سازی شود: «بسیار نگرانیم از اینکه این نهاد هم منحصر به حضور افرادی شود که نماینده و معرف بخش بسیار کوچکی از جامعه هستند و اغلب هم تحت تاثیر ارزش های شخصی خود رفتار و داوری می کنند.»

صلح امنیتی بی معناست

برخی از حقوقدانان نیز معتقدند که صلح و سازش در پرونده سیاسی و امنیتی بی معناست و این واژه تنها برای پرونده های دارای شاکی خصوصی قابل اجرا است. کامبیز نوروزی، حقوق دان، در تحلیل صحبت های رئیس قوه قضائیه گفته است: «این واژه تنها به پرونده های دارای شاکی خصوصی مربوط است و در مورد محکومان سیاسی که شاکی ندارند «منتفی» است. زندان جای منتقدان سیاسی نیست و بسیاری از احکام سنگین صادر شده علیه فعالان مدنی، ریشه در دیدگاه های سیاسی دارند تا عدالت کیفری؛ و اگر رفتار قضایی تحت تاثیر امر سیاسی نباشد، مقام قضایی می تواند بدون نیاز به تقاضایی دستور توقف اجرای مجازات این افراد را صادر کند.»
به عقیده برخی از حقوقدانان نیز صلح و سازش در جایی معنا دارد که قانون آن را «قابل گذشت» بداند؛ همچون دعوای مالی و یا خانواده ای، اما در مورد پرونده های امنیتی، مرجع تشخیص و رسیدگی از پیش مشخص است. در واقع لازمه به کار گرفتن صلح و سازش در پرونده های امنیتی، یک قدم قبل تر از تشکیل پرونده و در زمانی است که اتهام امنیتی نسبت داده می شود. اگر هدف از سخنان رئیس قوه قضائیه تغییر رفتار دستگاه های امنیتی است، این اقدام مثبتی است اما پیش از این باید نگرش نهادهای امنیتی اصلاح شود و امنیتی سازی بیش از حد و نظر پرهیز شود.



کامبیز نوروزی حقوق دان:

واژه صلح و سازش تنها به پرونده های دارای شاکی خصوصی مربوط است و در مورد محکومان سیاسی که شاکی ندارند «منتفی» است.

زندان جای منتقدان بسیاری از احکام سنگین صادر شده علیه فعالان مدنی، ریشه در دیدگاه های سیاسی دارند تا عدالت کیفری؛ و اگر رفتار قضایی تحت تاثیر امر سیاسی نباشد، مقام قضایی می تواند بدون نیاز به تقاضایی دستور توقف اجرای مجازات این افراد را صادر کند

شفاف سازی کنید

در صورت اجرای چنین رویکردی در پرونده های امنیتی، احتمال بر خورد سلیقه ای و دوگانه در افرادی که مدنظر رئیس قوه قضائیه است، نگرانی مشترک کارشناسان و کارشناسان است. در نتیجه ضروری است که سازوکارهای صلح و سازش در حوزه های امنیتی به صورت شفاف و روشن تعریف شود و خطر بر خورد های سلیقه ای را کاهش دهد.
با این وجود، جامعه شناسان و کارشناسان اجتماعی با رویکرد کلی صلح و سازش در پرونده های قضایی موافق هستند. به عقیده آنها اجرای صلح و سازش در چارچوب های مشخص، اعتماد از دست رفته را باز خواهد گرداند و از جامعه جرم زدایی خواهد کرد. البته که توجه به آداب و رسوم و فرهنگ محلی مهم است و برای این اقدام می توان از ظرفیت سازمان های مردم نهاد استفاده کرد؛ اقدامی که نهنتها منجر به جلب مشارکت عمومی خواهد شد، که به ترمیم شکاف عمیق جامعه و دستگاه های اجرایی و حاکمیتی منجر خواهد شد. بر اساس پژوهشی که سید اشرف مجیدی درباره «نقش سازمان های مردم نهاد در ایجاد صلح و سازش به عنوان صلح چارچوب مرجع قضایی» انجام داد، تاکید کرد که «در هنگام صلح و سازش، باید به آداب و رسوم و فرهنگ مناطق مختلف و میزان تعهدات عملی هر منطقه، توجه اساسی شود و بومی سازی صلح و سازش مدنظر جدی قرار گیرد، از این نظر که مردم هر منطقه چقدر به تعهدات خود پایبندند، و التزام عملی دارند، صلح و سازش را تحت تاثیر خود قرار خواهند داد و پشتوانه و عدم پشتوانه اخلاقی را روشن می نمایند. بر این اساس، صلح و سازش باید بر حسب انشاء، به نحوی تنظیم گردد که اولاً ضمانت اجرایی داشته، ثانیاً روشن و بدون ابهام باشد که منجر به دعوای مجدد نگردد. بنابراین، مراجع ذی صلاح قضایی می توانند با توجه به راهکار های اصولی، اطلاع رسانی و آگاهی سازی عمومی را از طریق جلب مشارکت های مردمی در تشکیل و تقویت شورای صلح و سازش در جهت مخته کردن پرونده های قضایی ایفای نقش نمایند.» هر چند که این اقدام نیز باید با تاکید بر اصل «استقلال» و «بی طرفی» انجام شود و رفتار تبعیض آمیز نسبت به متهم وجود نداشته باشد. اجرای طرح «صلح و سازش» در پرونده های قضایی رویکرد مثبتی است که در مجموع اثرات مثبت اجتماعی به همراه خواهد داشت. اجرای آن به ویژه در پرونده های امنیتی نیز مانند سازوکاری ویژه و البته شفاف است. این طرح اگر در پرونده های مختلف به ویژه پرونده های سیاسی و امنیتی به طور جدی پیگیری شود علاوه بر اینکه تغییر رویکرد در سیاست قضایی کشور تعبیر می شود، احتمالاً آثار قابل قبول در افزایش انسجام ملی نیز در پی دارد اما تا زمانی که ضمانت های قانونی، شفافیت اجرایی و مرز مشخص میان جرم سیاسی و جرم امنیتی تعریف نشود، خطر تداوم بر خورد های دوگانه در جای خود باقی خواهد ماند.

از نظر اجتماعی و جامعه شناسی کاملاً درست و مفید است و حالا به این تئوری رسیده اند که جامعه مجرم را به وجود آورده است و باید سراغ جامعه رفت. باید جامعه را بازخواست کرد، اگر فردی کار خطایی انجام دهد، ارثی ذاتی نیست، مجموعه ای از عوامل بر این موضوع مؤثر است. ما چند هزار زندانی داریم؟ این زندانیان هزینه دارند و بعد که از زندان بیرون می آیند آدم سابق نمی شوند، بلکه به مراتب بدتر هم خواهند شد. بنابراین بر اساس جامعه شناسی دورکیم، کارسوز و دیگران، جامعه است که جرم را است. در مجموع نظر من در موارد مربوط به زندان و احکام اعدام این است که با مسئله اعدام و مسئله زندان و افراد را به هر نحوی به زندان بردن و هزینه برای جامعه ایجاد کردن، مخالفم. معتقدم این اقدامات افراد را از فعالیت های اجتماعی و اقتصادی عقب می راند و زندان هم وضعیت یک مدرسه را می گیرد و فرد زندانی نسبت به جامعه، مسئولان و حاکمیت به تضاد و مقابله بر می خیزند که این درست نیست و در نتیجه با آن مخالف هستم.

آقای اژه‌ای در مسئله فضای مجازی به استفاده از نیروهای جوان و خیر خواه برای پیگیری مسائل آن دسته از کاربران فضای مجازی که احیاناً خلاف مصالح کشور عمل کرده اند اشاره کرده است. آیا این شیوه مردمی کردن موضوعات حقوقی و قضایی، رویکرد مناسبی است؟